

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال هفتم (۱۳۹۶)، شماره شانزدهم

رویکردی تربیتی به کارکردهای پرسش از منظر قرآن کریم

نرگس سجادیه^۱

نیکو دیالمه^۲

سارا طوسی‌ان خلیل‌آباد^۳

چکیده

توجه به نقش تربیتی قرآن کریم در زندگی بشر و تأثیر شگرف آن در هدایت، نشانگر آن است که علاوه بر اثربخشی محتوا، روش‌های به‌کارگرفته‌شده در آن نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و شایسته تأمل است. یکی از روش‌هایی که کاربردی آن به‌وفور در قرآن مشاهده می‌شود، راهبرد پرسش است. پژوهش حاضر درصدد است تا با تأمل در پرسش‌های قرآنی با روش تحلیل زبان فنی-رسمی، ضمن تبیین جایگاه ویژه پرسش در فرآیند تربیت، کارکردهای آن را استخراج نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ادبیات پرسشی در قرآن کریم، راهبردی است که مشتمل بر کارکردهای متعدد در مسیر تربیت مخاطبان است: برقراری ارتباط با موضوع (حکایی و تمرکزی)، وارد ساختن تنش شناختی، بازیابی بینش‌ها در ساحت تحول درونی، غفلت‌زدایی و یادآوری بدیهیات فطری و عقلی، بسط منظر فرد نسبت به واقعیت‌ها، برانگیختگی عاطفی، طرح دلیل بر مدعا، تذکر نسبت به موقعیت ارتباطی فرد، نمایان‌سازی تناقضات فکری مخاطب، خطایابی و کمک به تغییر عملکرد و گشودن عرصه‌های تفکر از جمله کارکردهای تربیتی پرسش در قرآن کریم است که در مجموع، راهبرد ویژه‌ای را در مسیر تعلیم و تربیت رقم می‌زند. واژگان کلیدی: قرآن، پرسش، پرسشگری، کارکرد، تربیت.

۱. استادیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران و عضو انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران. (نویسنده مسئول)/

sajjadi@ut.ac.ir

۲. استادیار معارف اسلامی و علوم تربیتی دانشگاه امام صادق (ع) / dr.dialameh@isu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علامه طباطبایی و عضو انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران /

s.stus91@gmail.com

۱- مقدمه

تربیت آدمی از مهم‌ترین وظایف بشر و دشوارترین آنهاست. راه و رسم درست تربیت از دیرباز تاکنون مورد توجه اندیشمندان تربیتی بوده است. در این میان، آنچه بیش از همه در فرآیند تربیت مورد توجه قرار گرفته، اندیشه‌ورزی و تفکر بوده است. تعریف انسان از سوی ارسطو به نطق و اندیشه‌ورزی (هرست و پیترز، ۱۹۷۰، ص ۱۰۸) و تأکید افلاطون بر عقل و حکمت در ایده انسان کامل (باتلر، ۱۹۶۸، ص ۱۱۳) را می‌توان نمونه‌هایی از این توجه به شمار آورد. بر این اساس می‌توان گفت تقویت اندیشه‌ورزی و تفکر، پای ثابت اهداف تربیتی در الگوها، نظام‌ها و روش‌های مختلف تربیتی مطرح در جهان بوده است.

از سوی دیگر تقویت تفکر، خود وابسته به اموری دیگری است. یکی از مؤلفه‌های مهم در به راه انداختن جریان تفکر، پرسش است. جریان تفکر، با طلبی آغاز می‌شود که در درون پرسشی می‌روید و تا این پرسش مجال طرح نیابد، جریان تفکر آغاز نمی‌شود. صفایی حائری (۱۳۹۰، ص ۵۵)، معتقد است تا پرسش مطرح نشود، فکر به حرکت نمی‌افتد و تا فکر به حرکت نیفتد، دستیابی به پاسخ و شناخت نیز امکان‌پذیر نخواهد بود. همچنین دیویی (۱۹۳۳، ص ۲۲) معتقد است، جریان تفکر و اندیشه‌ورزی، همواره از مواجهه با یک مسأله یا پرسش از راه‌حل آن، آغاز می‌شود. منظور وی از مسأله، چالشی است که پاسخ آماده نداشته باشد یا پرسشی که تلاطمی را در وجود فرد برانگیزد.

بنابراین می‌توان گفت تربیت در راستای تقویت اندیشه‌ورزی و تفکر، نیازمند فراهم‌سازی زمینه‌هایی برای پرسشگری و تقویت آن است. برای نمونه، روش دیالکتیکی سقراط را می‌توان بارزترین نمونه کاربرد پرسش در راستای تربیت به شمار آورد. به نظر می‌رسد سقراط با استفاده از پرسش و پاسخ و برجسته کردن مجهولات افراد در پی آن است تا آنان را به سوی حقایق رهنمون شود (قائدی، ۱۳۸۳، ص ۴۹). «به اعتقاد سقراط نمی‌شود تعلیم و تربیت تنها به دنبال انتقال علم باشد. تعلیم و تربیت، فعالیتی ذهنی است نه برنامه‌ای درسی که باید ابلاغ شود. وی معتقد بود مقدمه تعلیم و تربیت پرسیدن است، یعنی استخراج دانش از درون به جای تحلیل دانش از بیرون» (فیشر، ۱۳۸۸، ص ۱۹۱). گادامر نیز برای ورود به هر موضوعی، پرسش را ضروری می‌داند و آن را کلید رسیدن به فهم معرفی می‌کند. وی فهم را فرآیندی تعاملی دانسته که در خلال پرسش‌های دوجانبه شکل می‌گیرد و در این فرآیند، پرسش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد (واعظی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۳).

قرآن کریم نیز در مقام کتابی که برای هدایت و تربیت انسان‌ها آمده، در بسیاری موارد از پرسش بهره گرفته و به نظر می‌آید راهبرد خاصی از آن را مدنظر دارد. قرآن با استفاده از پرسش، ضمن به تفکر واداشتن مخاطب، تلاش می‌کند تا وی را از حالت منفعلانه خارج سازد و به عاملی فعال تبدیل کند. بیش از ۲۰۰۰ آیه از آیات قرآن به صورت پرسشی بیان شده است که خود نشانگر اهمیت پرسشگری در قرآن است؛ اما سازوکار پرسش‌های قرآنی و انواع آن‌ها هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و نیازمند پژوهش و واکاوی است.

در زمینه پرسش‌های قرآنی پژوهش‌هایی صورت گرفته است. برای نمونه فیاض در پژوهشی تحت عنوان «پرسشگری، راهبرد هویت پایدار دینی در قرآن کریم»، ضمن بررسی انواع پرسش‌های قرآنی به تبیین نقش و جایگاه پرسش در شکل‌گیری هویت در انسان می‌پردازد (فیاض، ۱۳۸۸، ص ۳۷). این پژوهش در بررسی پرسش‌های قرآنی و داشتن رویکردی تربیتی با مقاله حاضر دارای اشتراکاتی است؛ اما پژوهش حاضر در نوع بررسی و نیز پرسش‌های موردبررسی، با آن متمایز است. از جمله، در این پژوهش تلاش شده تا تنها پرسشگری‌های میان خداوند و پیامبران محور استنباط قرار گیرند تا از خطاهای پرسشگری برکنار باشیم. همچنین ابیضی شلمانی در پایان‌نامه خود تحت عنوان «پرسش و پرسشگری در قرآن کریم»، به بررسی استفهامات قرآنی از منظر چرایی، موضوع و پاسخ‌های آن‌ها پرداخته است؛ اما به اذعان خود پژوهش، عدم وجود نگاه تربیتی به پرسش (ابیضی شلمانی، ۱۳۸۰، ص ۶)، طریقه به‌کارگیری این نوع پرسشگری‌ها در تربیت را با ابهام مواجه ساخته و واکاوی تربیتی این نوع پرسشگری را ضروری می‌سازد.

در حوزه علوم تربیتی نیز پژوهش‌هایی به بررسی پرسش و نقش آن در تربیت پرداخته‌اند، اما به دلیل مبنا قرار ندادن قرآن، با مقاله کنونی، تفاوت بنیادینی دارند. «بررسی ابعاد نظری و عملی تعلیم و تربیت پرسش‌محور» (مهرمحمدی، ۱۳۷۴) و «از پرسش‌های متخیلانه تا آفرینش-های خلاقانه» (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۳) نمونه‌هایی از این دست پژوهش‌ها محسوب می‌شوند. در قرآن در مواضع گوناگون از انواع مختلف پرسش استفاده شده است. با توجه به رویکرد تربیتی موجود در قرآن کریم، محقق بر آن است تا با دیدی تربیتی پرسش‌های قرآن را از منظر کارکرد آن‌ها موردبررسی قرار دهد. برای این کار ابتدا ضمن اشاره به الگوهای تربیتی رایج، الگویی که در این کار مورد استفاده قرار می‌گیرد، بیان شده و سپس ذیل هر قسمت از الگو، کارکردهای پرسش متناسب با آن قسمت به همراه نمونه‌های قرآنی آن ذکر می‌گردد. لازم به ذکر است که الگوی به‌کارگرفته‌شده و نیز کارکردهای تربیتی که برای پرسش بیان خواهد شد، حاصل

بررسی‌ها و دقت‌هایی است که بر نظریه‌های تربیتی، عمل تدریس و تعمق بر آیات قرآنی صورت گرفته است.

۲- روش پژوهش

این پژوهش از روش تحلیل زبان فنی-رسمی بهره جسته است. در این روش، مفاهیم به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرند تا عناصر معنایی یک مفهوم، روابط میان این عناصر و روابط میان کل یک مفهوم با سایر مفاهیم که به نحوی با آن ارتباط دارند، مورد کاوش قرار گیرد؛ به عبارت دیگر این روش به دنبال آن است که دریابد هر مفهومی در یک متن خاص، دارای چه عناصر و روابط معنایی است (باقری، ۱۳۸۷، ص ۳۶). برای این کار، بررسی ترادف‌ها، تضادها، سیاق و ارتباط معانی با یکدیگر اهمیت می‌یابد. بر این اساس در پژوهش حاضر با محور قرار گرفتن متن قرآن کریم، آیاتی که متضمن پرسش بوده انتخاب شده و با اتکا به تفاسیر معتبر و تعمق در آن‌ها و نیز در نظر گرفتن سیاق به کارگیری پرسش، کوشش شده است با نگاهی تربیتی، کارکردهای پرسش‌های قرآن استخراج گردد. لازم به ذکر است در انتخاب آیات، معیار، پرسیدن پرسش از سوی خداوند یا پیامبران بوده است؛ زیرا با در نظر گرفتن ایشان به عنوان مربی، می‌توان از این پرسش‌ها برداشت‌های تربیتی داشت.

در نخستین گام با رجوع به واژگان (ادوات لفظی پرسش) و معانی آیات، کلیه آیات متضمن پرسش معین گردید. در گام بعد نظام‌واره (شامل پرسشگر، مخاطب و پیام) حاکم بر هر یک از پرسش و پاسخ‌ها تنقیح شده^۱ و در آخرین گام با مقایسه و تطبیق سیاق پرسش و پاسخ‌ها به استخراج کارکردهای تربیتی آن‌ها پرداخته و ۱۲ کارکرد، مشخص شده است.

در مرحله بعد با بررسی نظریه‌ها و الگوهای رایج در تدریس، الگویی سه مرحله‌ای پیشنهاد شده و مبتنی بر مراحل این الگو، کارکردهای استخراج شده، ذیل یکی از این مراحل جای گرفته‌اند. این کار به جایابی این کارکردها و تبیین نقش بسزای آن در تعلیم و تربیت کمک نموده و تربیت را به سوی بهره مضاعف از پرسش رهنمون می‌سازد.

۱. شایان ذکر است در تنقیح این نظام‌واره و کارکردهایی که به دنبال آن استخراج شده‌اند، چنانچه ذکر شد از تفاسیر معتبر استفاده شده است. به این صورت که برای بررسی هر یک از پرسش‌های قرآنی و تدبیر در آن‌ها، به تفاسیر ذیل مراجعه شده و با بررسی نکات تفسیری، سیاق آیات و در نظر گرفتن نگاهی تربیتی، کوشیده شده است تا کارکرد تربیتی متناسب با آن وضع گردد. این تفاسیر عبارت‌اند از: ترجمه تفسیر المیزان علامه طباطبایی، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۴)، تفسیر نور، محسن قرائتی (۱۳۸۳).

۳- الگوی کلان روابط معلم-شاگرد

تیین جایگاه پرسش در تربیت، نیازمند طراحی الگویی برای روابط معلم و شاگرد و تخصیص پرسش‌های متناسب با هر مرحله از این الگو به آن است. در الگوی کلان روابط معلم و شاگرد، از سه مرحله اساسی می‌توان سخن گفت. مرحله نخست که از آن به مرحله تمهید می‌توان یاد کرد، شامل تلاش برای برقراری ارتباط اولیه معلم، شاگرد و موضوع موردبحث است. در میان الگوهای مختلف تدریس نیز نمونه‌هایی از این مرحله را می‌توان ملاحظه نمود. برای نمونه، در خانواده الگوهای پردازش اطلاعات و الگوی تدریس آزوبل، ارائه پیش‌سازمان‌دهنده می‌تواند مورد متناظری برای این مرحله پیش‌تدریسی باشد. آزوبل، معتقد است پیش‌سازمان‌دهنده، با برقراری ارتباط معرفتی میان پیش‌آموخته‌ها و موضوع جدید، توجه مخاطب - شاگرد - را به موضوع درسی و معلم جلب می‌کند (جوینس، کالهن، هاپکینز، ترجمه مهرمحمدی و عابدی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۲). همچنین در خانواده الگوهای اجتماعی، این مرحله بیشتر با تمرکز بر ایجاد روابط امن و عاطفی میان شاگردان و معلم به‌مثابه گروه یادگیرنده مدنظر قرار می‌گیرد (سیف، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷). از سوی دیگر، در خانواده الگوهای رفتاری، الگوی یادگیری اجتماعی-شناختی بندورا، بر ایجاد این ارتباط تأکید می‌ورزد (اشعری و حسنی، ۱۳۹۳، ص ۹۷).

هدف اساسی در مرحله تمهید، مواجهه اولیه با مخاطب و تلاش برای برقراری ارتباط با وی است. از آنجایی که تربیت، فرآیندی دوسویه و تعاملی است (باقری، ۱۳۸۹، صص ۱۱۳-۱۱۶) و بدون در نظر گرفتن مخاطب و جلب توجه وی، موفقیت قابل توجهی در آن حاصل نمی‌شود، برقراری ارتباط با مخاطب در آغاز کار، اجتناب‌ناپذیر است. یکی از مؤلفه‌های پیش‌نیاز این ارتباط، مرحله شناخت مخاطب و توجه به ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی متریان است. این شناخت به مربی کمک می‌کند تا از اصول و روش‌های تربیتی متناسب با ویژگی‌ها و توانمندی‌های هر مخاطب بهره‌گیرد و رابطه‌ای متناسب با هر یک برقرار کند. مؤلفه مهم دیگر در مرحله تمهید، زمینه‌سازی اولیه است. در این مرحله مربی، متری را با مقدمات معرفتی موردنیاز درگیر کرده و سعی می‌کند آگاهی‌های پیشین او را بازبینی و او را با چالش‌هایی روبرو سازد.

مرحله دوم، ارائه بدنه اصلی موضوع معرفتی یا ارزشی است. بدنه اصلی، چارچوب اصلی کار مربی برای نیل به مقصود تربیتی خویش است. برای این مرحله نیز می‌توان مؤلفه‌هایی متصور شد؛ نخستین مؤلفه، درگیر نمودن مخاطب با بحث است. در این گام مربی به تدریج مخاطب را وارد بحث اصلی نموده و تلاش می‌کند تا او را به طرق مختلف با زوایای گوناگون بحث آشنا

سازد. مؤلفه دوم در مرحله دوم، حرکت از شواهد به ادعاها و برعکس است که در آن سعی می‌شود تا با توجه به شواهد موجود، ادعاهای مطرح شده مستند شده و ضمن طرح منطقی پشتوانه مباحث، مربی به‌سوی بررسی و واکاوی منطقی موضوع سوق یابد. همچنین برای اینکه مربی فعالیت یادگیری و واکاوی و فهم را با رغبت ادامه دهد، لازم است مربی از شیوه‌هایی جهت ایجاد انگیزه در وی استفاده کند. از این‌رو، یکی دیگر از مؤلفه‌های این مرحله، تحریک انگیزه مربی است. ردپای این مؤلفه‌ها در الگوهای تدریس قابل‌ردیابی است. از جمله در الگوی برونر از خانواده الگوهای تدریس شناختی بر ضرورت فهم منطقی پشتوانه امور تأکید می‌ورزد (جویس، کالهن، هاپکینز، ترجمه مهرمحمدی و عابدی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۶).

مرحله پایانی این الگو را می‌توان به اصلاح و بازبینی اختصاص داد. از آنجاکه تربیت، فرآیندی فرارونده و بالنده است، لازم است مربی، در هر رابطه برای اطمینان از صحت کار خود آن را مورد بازبینی قرار دهد و در صورت نیاز برخی موارد را - به خود یا به مربی - تذکر دهد یا اصلاح نماید. از این‌رو می‌توان گفت نقادی نسبت به خویش و مربی، وظیفه‌ای است که مربی برای گریز از ایستایی و انجماد تربیت انجام می‌دهد (باقری، ۱۳۹۴، صص ۲۳-۴۲).

۴- پرسش‌های قرآنی و کارکردهای تربیتی آنها

منظور از کارکرد، نقش و جایگاهی است که پرسش در یک فرآیند تربیتی بر عهده می‌گیرد. در این بخش، پس از تبیین الگوی کلان تربیت و مراحل آن، کارکردهای تربیتی پرسش‌های قرآنی در چارچوب مورد مطالعه، واکاوی و دسته‌بندی می‌شوند.

۴-۱- پرسش‌های قرآنی ناظر بر مرحله تمهید در رابطه معلم و شاگرد

انواع پرسش‌های قرآنی ناظر بر مرحله تمهید و مؤلفه‌های آن، در این بخش در قالب دو دسته جای می‌گیرند:

الف) پرسش‌های ناظر بر ایجاد تمرکز (حکایی و عام)

در رویارویی تربیتی، مربی می‌کوشد تا محتوای مورد نظر خود را در قالب مناسب به مربی بیاموزد. همان‌گونه که بیان شد، آموزش این محتوا نیازمند ارتباط گرفتن فرد با آن است. به‌بیان‌دیگر برای آنکه یکی از ارکان مهم تربیت، یعنی محتوا، استوار گردد و جای مناسب خود را در این فرآیند پیدا کند، ایجاد ارتباط اولیه مربی با موضوع و مربی ضروری است. از این‌رو مربی باید بکوشد تا با به‌کارگیری روش‌های مناسب، چنین ارتباطی را برقرار کرده و او را مهیای

آموزش گرداند. یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که مربی را در این راه یاری می‌رساند، استفاده از پرسش است. ایجاد آمادگی در فرد و تحریک احساسات و کنجکاوی وی از طریق پرسش، او را برای ورود به بحث برمی‌انگیزاند و توجه وی را به بحث جلب می‌کند. این پرسش‌ها به منزله زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی ورود به بدنه اصلی‌اند. آماده‌سازی مخاطب، زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مخاطب، توجه ویژه‌ای به موضوع نداشته باشد.

پرسش‌های قرآنی ناظر بر ایجاد تمرکز در مخاطب را تحت دو عنوان می‌توان دسته‌بندی کرد. دسته نخست، پرسش‌های حکایی نام دارند. گونه‌ای از پرسش‌ها، هنگام شرح قصص قرآنی ذکر می‌شوند و زمینه را برای بیان آن‌ها فراهم می‌نمایند. از این پرسش‌ها تحت عنوان «حکایی» نام برده می‌شود. به عنوان نمونه، در سوره نازعات هنگامی که می‌خواهد در مورد ماجرای حضرت موسی (ع) آغاز به سخن کند می‌فرماید: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى﴾ (نازعات: ۱۵/۷۹).^۱ این آیه مدخلی است برای شروع صحبت در مورد ایشان که تا ۱۲ آیه بعد ادامه می‌یابد؛ و یا در آغاز سوره فیل و حکایت اصحاب فیل، با پرسشی مواجه می‌شویم که ما را برای شنیدن ادامه ماجرا ترغیب می‌کند: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾ (فیل: ۱/۱۰۵).^۲

دسته دیگری از پرسش‌های قرآنی ناظر بر ایجاد تمرکزند که به منزله مقدمه‌ای برای بیان یک موضوع حائز اهمیت محسوب می‌شوند و البته عام هستند. مثلاً در سوره آل عمران می‌فرماید: ﴿قُلْ أُوْسِيْعِكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذٰلِكُمْ لِلَّذِيْنَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنٰتٌ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا وَ اَزْوَٰجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَ رِضْوَانٌ مِّنَ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ بَصِيْرٌ بِالْعِبَادِ﴾ (آل عمران: ۱۵/۳).^۳

در این آیه قبل از آنکه از راز بهترین سرمایه‌ها پرده بردارد، به منظور ایجاد اشتیاق و جلب مخاطب به این موضوع مهم، آن‌ها را با پرسش مورد خطاب قرار داده و به این مسأله ترغیب می‌نماید. در این موارد، علاوه بر آماده‌سازی مخاطب، بُعد معرفتی و شناختی محتوا نیز موضوعیت داشته و مورد تأکید قرار می‌گیرد. نمونه‌ای دیگر برای چنین پرسش‌هایی آیات ابتدایی سوره

۱. آیا داستان موسی به تو رسیده است؟

۲. آیا ندیدی پروردگارت با فیل‌سواران [لشکر ابرهه که برای نابودی کعبه آمده بودند] چه کرد؟!

۳. بگو: آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه‌های مادی)، بهتر است؟ برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده‌اند، در نزد پروردگارش (در جهان دیگر)، باغ‌هایی است که نهرها از پای درختانش می‌گذرد. همیشه در آن خواهند بود و همسرانی پاکیزه و خشنودی خداوند (نصیب آن‌هاست)؛ و خدا به (امور) بندگان، بیناست.

حاقه است؛ آنجا که سخن از قیامت و توصیف آن است: ﴿الْحَاقَّةُ مَا الْحَاقَّةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ﴾^۱ (حاقه: ۶۹ / ۱-۳)^۲.

ب) پرسش‌های تنش‌زای شناختی

برخی از صاحب‌نظران معاصر تربیتی معتقدند یادگیری زمانی انجام می‌شود که فرد، درون خود نیاز و سؤالی احساس کند و به دنبال پاسخ به آن باشد؛ به عبارت دیگر هنگامی که آموخته‌های پیشین متربی دچار چالش شده و پاسخگوی سؤالات کنونی او نباشد، در وی، عدم تعادل شناختی ایجاد شده و فرد را بر آن می‌دارد تا برای پاسخ به نیازش، معرفت موردنیاز را کسب کند. این دیدگاه به‌ویژه در نظریه جان دیویی و پیروان وی مشهود است. او بر همین مبنا نظریه حل مسأله خود را برای یادگیری مطرح ساخته و اساس یادگیری را ایجاد مسأله اولیه در ذهن فرد می‌داند. فرد پس از آنکه با مسأله روبرو می‌شود، به دنبال پاسخ به آن برآمده و گام‌هایی در این راستا طی می‌کند که در نهایت منجر به حل آن مسأله و کسب معرفت جدید خواهد شد (گوتک، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳).

از این رو می‌توان گفت تا زمانی که مخاطب احساس نیاز نداشته و در حالتی از تعادل نسبت به دانش خود قرار داشته باشد، وارد چرخه یادگیری نمی‌شود. در این صورت هرچند به‌ظاهر این فرآیند در حال شکل‌گیری باشد، اما در واقع تنها پوسته‌ای از ظواهر در جریان است و یادگیری و نیز تربیت محقق نخواهد شد. لذا برای آنکه یادگیری به وقوع پیوسته و مؤثر افتد، نیازمند ایجاد عدم تعادل شناختی هستیم. بر این اساس یکی از وظایف مربی در مرحله تمهید تدریس و یادگیری، مسأله‌سازی برای دانش‌آموز است.

در پرسش‌های قرآنی این امر مشهود است. برخی پرسش‌های قرآن ناظر بر مخاطبان‌اند و با زیر سؤال بردن اعتقادات سست، جوششی درون انسان ایجاد می‌کنند. این شور درونی، فرد را آماده دریافت معرفت می‌کند.

۱. (رستاخیز) روزی است که مسلماً واقع می‌شود! چه روز واقع‌شدنی! و تو چه می‌دانی آن روز واقع‌شدنی چیست؟!
 ۲. در قرآن پرسش‌های فراوانی در راستای این هدف وجود دارند که مجال اشاره به همه آن‌ها در این مقاله وجود ندارد. برای مشاهده نمونه‌های بیشتر نک: مجادله: ۵۸ / ۷؛ لقمان: ۳۱ / ۲۰، ۲۹، ۳۱؛ حاقه: ۱۹ / ۲-۳؛ مرسلات: ۷۷ / ۱۴؛ طارق: ۸۶ / ۲؛ انفطار: ۸۲ / ۱۷؛ قدر: ۹۷ / ۲.

برای مثال یکی از گمان‌های باطل کفار، رسیدن به شفاعت ملائک بود. خداوند در سوره نجم با طرح پرسشی این گمان را زیر سؤال برده و می‌فرماید: ﴿أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى﴾ (نجم: ۲۴/۵۳)!. در جایی دیگر وقتی سخن از ربوبیت الهی و اقامه حجت بر آن است، با لحنی آمیخته به توبیخ و تنبیه، پرسشی را مطرح می‌کند که البته پاسخ آن نزد عقول آشکار است: ﴿أَمْ أَمِنتُمْ مِّنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ﴾ (ملک: ۱۶/۶۷)!. با طرح این پرسش ضمن آنکه بار دیگر مسأله ربوبیت را متذکر می‌شود، گمان‌های باطل مبنی بر وجود شریک برای خداوند در ربوبیت را نیز متزلزل می‌کند. این پرسش‌ها معمولاً ناظر بر عقایدی است که واکاوی آن‌ها و دریافت بطلان آن‌ها نیازمند واکاوی زیادی نباشد و تنها با به‌کارگیری عقل سلیم ممکن باشد.

۴-۲- پرسش‌های قرآنی ناظر بر بدنه اصلی رابطه معرفتی-ارزشی معلم و شاگرد

بررسی پرسش‌های قرآنی نشان می‌دهد، برخی از این پرسش‌ها را می‌توان ناظر بر بدنه اصلی رابطه معرفتی-ارزشی معلم و شاگرد تلقی کرد. از جمله موارد زیر را می‌توان بیان کرد:

الف) پرسش‌های ناظر بر بازبینی بینش‌ها

مقصود از بینش‌ها در این قسمت اعتقادات بنیادینی است که زیربنای عمل و زندگی انسان را تشکیل می‌دهد. «بینش یا بصیرت به طرز تلقی آدمی از امور و حوادث نیز اطلاق می‌شود و به تعبیر دیگر، بینش نوعی آگاهی عمیق و گسترده است» (شرفی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۹). تحول درون، همواره دریچه‌ای برای ایجاد نگرش جدید در آدمی است. این تحول را می‌توان پلی میان فروپاشی تنش‌شناختی و اعطای بینش به شمار آورد. پس از اینکه اعتقادات نادرست فرد به طرق مختلف از جمله پرسش مورد تردید قرا گرفت و معرفت وی، دچار وضعیتی نامتعادل گشت، می‌توان به تدریج به سوی جایگزین نمودن باورهای جدید در فرد گام برداشت.

در قرآن، پرسش‌هایی را می‌توان یافت که ناظر بر همین بازبینی بینش‌هاست. تفاوت این نوع پرسش‌ها با پرسش‌های تنش‌زای شناختی، در نوع بینشی است که زیر سؤال می‌رود. درحالی‌که پرسش تنش‌زای شناختی، پاسخی نسبتاً قابل دسترس دارد، این نوع پرسش‌ها و پاسخ متناظر آن‌ها از پیچیدگی بیشتری برخوردارند. برای نمونه در آیات ابتدایی سوره عنکبوت وقتی سخن از

۱. یا آنچه انسان تمنّا دارد به آن می‌رسد؟!.

۲. آیا خود را از عذاب کسی که حاکم بر آسمان است در امان می‌دانید که دستور دهد زمین بشکافد و شما را فرو برد و به لرزش خود ادامه دهد؟!.

حقیقت ایمان است می فرماید: ﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ (عنکبوت: ۲/۲۹) با طرح یک پرسش ضمن زیر سؤال بردن تصور نادرست برخی در باب ایمان، این آگاهی را نیز می دهد که آوردن ایمان هزینه بردار است و مؤمن باید در برابر امتحان های الهی و در میدان عمل، ایمانش را به نمایش بگذارد. در سوره قیامت نیز وقتی در مورد باورهای منکران معاد سخن می گوید، با طرح این پرسش که: ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ﴾ (قیامت: ۷۵/۳) ضمن توییح آنان برای داشتن چنین عقیده ای، امکان وجود معاد و قدرت خداوند را در برانگیختن انسان ها بیان می کند. این گام، شامل پرسش های اولیه ای است که پاسخ آن ها بر عهده مخاطب است.^۳

ب) بینش زایی

پس از زیر سؤال بردن باورهای غلط و ایجاد چالش های معرفتی می توان با دادن بینش های جدید، فرد را در راستای تربیت اعتقادی یاری نمود. در مواضعی، قرآن اعطای این بینش های جدید را در قالب پرسش صورت می دهد. برای مثال در بسیاری از آیات، اعطای بینش نسبت به اعتقادات توحیدی افراد و برشمردن اسماء خداوند از طریق پرسش صورت می گیرد. در سوره روم پس از اینکه به یکی از ویژگی های انسان یعنی خشنودی هنگام رحمت و ناامیدی سریع در گرفتاری ها اشاره می کند، این موضوع را خاطرنشان می سازد که روزی دهنده هستی، خداوند است تا از این طریق انسان را از جزع و فزع و نومیدی به هنگام گرفتاری ها، بر حذر دارد: ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (روم: ۳۰/۳۷)؛^۴ در سوره لقمان نیز آنجا که سخن از وحدانیت خداوند و اثبات آن است، مشرکان را مورد خطاب قرار داده و می فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ﴾ (لقمان:

۱. آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟!؛

۲. آیا انسان می پندارد که هرگز استخوان های او را جمع نخواهیم کرد؟!؛

۳. برای دیدن نمونه های بیشتر نک: زخرف: ۴۳/۶۶، ۸۰؛ بلد: ۹۰/۵، ۷؛ واقعه: ۵۸/۵۶-۵۹؛ عنکبوت: ۲۹/۴؛

محمد: ۴۷/۱۸، ۲۹.

۴. آیا ندیدند که خداوند روزی را برای هر کس خواهد گسترده یا تنگ می سازد؟! در این نشانه هایی است برای

گروهی که ایمان می آورند.

۳۱ / ۲۰)'. این آیه نیز ضمن دادن بینشی جدید پیرامون هستی و نعمات موجود در آن، آن‌ها را از خواب غفلت بیدار می‌سازد. لازم به ذکر است که در این گام، اغلب، بینش‌های اساسی مانند توحید و معاد و نبوت که جزء اصول دین به شمار می‌آیند، به فرد اعطا می‌شود^۲.

ج) پرسش‌های ناظر بر بدیهیات فطری و عقلی (پرسش‌های ناظر بر غفلت‌زدایی)

فطرت و عقل در انسان به منزله دو قوه درونی هستند که او را در پیمودن مسیر رشد خود، یاری می‌رسانند. فطرت خداجو با فراهم آوردن معرفت و گرایشی حداقلی نسبت به حق، نیروی اولیه برای حرکت او فراهم می‌آورد و می‌کوشد تا انسان پرمشغله را از کمین غفلت و نسیان رهایی بخشد (باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۱۲). از سوی دیگر، اصول عقلی به‌عنوان اصولی مشترک و بدیهی او را در فهم مسائل یاری کرده و می‌تواند چون پیامبر درونی وی عمل نماید.

با توجه به این نقش ویژه و عوامل تهدیدکننده فراوانی که میان انسان با فطرت و عقل او فاصله ایجاد می‌کنند، در آموزه‌های دینی بر بیدارسازی این دو موهبت الهی تأکید ویژه‌ای شده است. لذا قرآن کریم در بسیاری از پرسش‌های خود، فطرت پاک و نیز اصول بدیهی عقلی را یادآوری کرده و می‌کوشد تا تلنگری بر جان آدمی زند و گردوغبار غفلت و نسیان را بزدايد. از این روست که در سوره الرحمن هنگامی که سخن از پاداش الهی و بیان علت این پاداش‌هاست، انسان را به فطرت خود رجوع می‌دهد و با طرح یک دلیل عقلانی که برای همگان قابل فهم است، این مسأله را تبیین می‌کند: ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ (الرحمن: ۵۵ / ۶۰)^۳. در این آیه خداوند با آوردن پرسشی که پاسخ آن برای هر انسانی قابل درک است این موضوع را متذکر می‌شود که پاداش و لطفی که به این افراد داده می‌شود به سبب احسان و تلاشی است که پیش‌از این نموده‌اند. همچنین در آیات ابتدایی سوره مُلک پس از ذکر نمونه‌هایی از نظم موجود در هستی می‌فرماید: ﴿فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ﴾ (ملک: ۶۷ / ۳)^۴. در این آیه نیز قرآن با

۱. آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما کرده و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به‌طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟!

۲. برای دیدن نمونه‌های بیشتر نک: لقمان: ۲۰/۳۱، عنکبوت: ۱۹/۲۹، ۶۷؛ زمر: ۳۹/۳۶-۳۷؛ یس: ۳۶/۷۱؛ نبأ: ۷۸/۶؛ بلد: ۸۰/۸؛ مرسلات: ۷۷/۲۵؛ مجادله: ۵۸/۷؛ ملک: ۶۷/۱۴، ۱۹؛ نوح: ۷۱/۱۵.

۳. آیا جزای نیکی جز نیکی است؟!

۴. بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟!

طرح پرسش، انسان را به تفکر واداشته و نسبت به نظام با ثبات آفرینش و پروردگار آن هوشیار می‌سازد!

د) پرسش‌های بسط‌دهنده منظر فرد نسبت به واقعیت‌ها: یکی از راه‌های شناخت که انسان را از تجربه مستقیم بی‌نیاز می‌گرداند، استفاده از تجارب دیگران و بسط منظر خود از نظر زمانی و مکانی است. در این میان، بسط این منظر از نظر زمانی اهمیت دارد؛ چراکه عمر کوتاه انسان مجال آزمون و خطای مکرر و کسب همه تجارب به‌طور مستقیم را در اختیار او قرار نمی‌دهد (محمدی اشتهدادی، ۱۳۸۹، ص ۵). «تاریخ همچون آینه‌ای است که نمایانگر واقعیت‌ها و سنت‌های الهی بسیاری است. در موارد متعددی از آیات و روایات، به حاکمیت قرآن در هر دو قلمرو فردی و اجتماعی تصریح شده است. بر اساس آیات قرآن و روایات می‌توان دریافت که تحولات و رویدادهایی که در فرد و اجتماع به جریان می‌افتد، تصادفی و بی‌علت و به عبارت کلی‌تر، خارج از قانون نیست. همان ملاکی که عالم هستی را قانونمند کرده، تاریخ بشر را نیز قانونمند کرده است» (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۱۲). مطالعه تاریخ با در اختیار گذاشتن این قوانین و سنت‌ها واقعیت گسترده‌تری را به نمایش می‌گذارد و از تجربه‌های بی‌حاصل یا تجربه‌هایی که بهای سنگینی به دنبال دارند، جلوگیری می‌کند. از این‌روست که حضرت امیر (ع) در نامه خود به فرزند بزرگوارشان، ایشان را به مطالعه تاریخ دعوت می‌کند و می‌فرماید:

«پسرم! درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آن‌ها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم، تا آنجا که گویی یکی از آنان شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام، پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم و زندگی سودمند آنان را با دوران زیان‌بارش شناسایی کردم» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

این گفتار به‌خوبی اهمیت بررسی تاریخ پیشینیان و تأمل در آن را نشان می‌دهد، چنانچه حضرت می‌فرماید طوری به تفقه در تاریخ پرداخته‌اند که گویا یکی از گذشتگان شده‌اند! بنابراین مطالعه تاریخ که سرشار از واقعیت‌ها و سنت‌های تکرارپذیر است، یکی از راه‌های کسب تجربه و روشنگر مسیر زندگی است. در همین راستا خداوند در سوره محمد (ص) افراد و به‌ویژه کفار را به تدبیر در عاقبت پیشینیان دعوت می‌کند تا بدین‌وسیله توجه آن‌ها را نسبت به راهی که

۱. برای دیدن نمونه‌های بیشتر نک: یس: ۳۶/۳۵، ۶۲، ۶۶، ۷۳، ۷۷؛ فاطر: ۳۵/۳، ۸؛ حدید: ۵۷/۱۶؛ محمد: ۴۷/

۱۴-۱۵؛ مرسلات: ۷۷/۲۰، ۵۰؛ جاثیه: ۴۵/۶، ۲۱، ۲۳.

برگزیده‌اند و سرانجامی که در انتظار آن‌هاست، جلب کرده و هوشیارشان سازد: ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا﴾ (محمد: ۱۰/۴۷).^۱ در سوره توبه نیز با تذکر نسبت به عاقبت اقوام پیشین، دید کفار را نسبت به موقعیتی که در آن قرار دارند، وسعت می‌بخشد: ﴿أَلَمْ يَأْتِهِمُ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَ قَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ...﴾^۲ (توبه: ۷۰/۹).^۳

ه) پرسش‌های برانگیزاننده عاطفی

انسان موجودی با ابعاد و وجوه گوناگون است و همین امر بر دشواری امر تربیت می‌افزاید. او در همان زمان که ابعاد شناختی ویژه و منحصر به فردی دارد، دارای حساسیت‌های روانی و عاطفی است که نمی‌توان آن‌ها را نادیده انگاشت. از این رو برخی در تربیت قائل به دو گونه دانش شده‌اند: «اطلاعاتی که عواطف و احساساتی از قبیل بیم و امید، میل و تنفر، دوستی و دشمنی و مانند آن را در فرد برمی‌انگیزند و اطلاعاتی که تنها ذهن و فکر را ارضا می‌کنند و با عواطف و احساسات فرد سروکاری ندارند. مباحث دسته اول مباحثی زنده، جذاب و نشاط‌آور هستند که در انسان بیم و امید، عشق و محبت، و خوف و خشیت را برمی‌انگیزند. این گونه اطلاعات علاوه بر عقل و فکر متربی، عواطف و احساسات وی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و بدین سبب میزان تأثیر این روش بسیار افزایش می‌یابد» (داوودی، ۱۳۸۹، صص ۱۸۳-۱۸۴).

در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که عواطف انسان را نشانه گرفته و با تحریک احساسات، به هدایت وی اقدام می‌نماید. بعضی از این آیات که سیاق انداز، تهدید، تشویق و تبشیر دارند، در قالب پرسش بیان می‌شوند تا ضمن در اختیار گذاشتن اطلاعات، او را به سوی عمل ترغیب نمایند. خداوند در سوره نور پرسشی مطرح می‌کند که در آن با تذکر بخشندگی پروردگار، میل و احساس مخاطب را برای بهره‌مندی از لطف حق تحریک نموده و او را تشویق می‌کند تا با اطاعت از امر الهی، خود را مستحق بخشش حق قرار دهد: ﴿وَلَا يَأْتَلُ أُولُو الْفَضْلِ

۱. آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! خداوند آن‌ها را هلاک کرد و برای کافران امثال این مجازات‌ها خواهد بود!

۲. آیا خبر کسانی که پیش از آن‌ها بودند، به آنان نرسیده است؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اصحاب مدین» [قوم شعیب] و «شهرهای زیر و رو شده» (قوم لوط)...

۳. برای دیدن نمونه‌های بیشتر نک: سجده: ۲۶/۳۲؛ روم: ۹/۳۰؛ غافر: ۴۰/۲۱، ۸۲.

مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُتُوتَ أُولَى الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَيَعْتَفُوا وَيَصْفَحُوا أَلَا تَحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿نور: ۲۴/۲۲﴾. در سوره حجرات نیز برای اینکه قبح برخی گناهان مانند غیبت را بیان کند، کراهت و زشتی آن را به تصویر کشیده، به طوری که هر انسانی به محض تصور حقیقت غیبت، نسبت به آن احساس اشمئزاز می‌نماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿حجرات: ۴۹/۱۲﴾. در قرآن پرسش‌های فراوانی وجود دارد که از این کارکرد پرسش بهره‌مند هستند.^۳

(و) پرسش‌های ناظر بر طرح دلیل بر مدعا

یکی از مؤلفه‌های طراحی مناسب بدنه اصلی ارتباط معلم و شاگرد، مستندسازی ادعاها به شواهد است. در قرآن، به کار بردن استدلال‌های عقلانی در قالب پرسش، فراوان یافت می‌شود. این گونه پرسش‌ها که گاهی بیانگر استدلال از سوی خداوند و برای اثبات ربوبیت حضرت حق است، مرتبی را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که اساساً بیان مستدل مطالب و طلب دلیل، امری عقلانی است و از نظر قرآنی مطلوب است.

برای مثال در سوره فاطر به طرح استدلالی علیه مشرکین می‌پردازد و می‌فرماید اگر شما بت‌ها را به‌عنوان خدا قبول دارید باید از روی تدبیر، سهمی در آفرینش داشته باشید، یا اینکه بر اعتبار داشتن بت‌ها دلیلی از سوی خداوند نازل شده باشد؛ اما با توجه به اینکه هیچ‌کدام از این دو مورد رخ نداده است، دلیل قابل قبولی برای موجه بودن پرستش بت‌ها وجود ندارد. بدین ترتیب خداوند با در نظر گرفتن دو جنبه برای اعتبار پرستش بت‌ها، به‌طور مستدل و منطقی بر این امر، خط بطلان می‌کشد: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَا ذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ ءَاتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْهُ بَلْ إِن يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُم بَعْضًا إِيَّانَا

۱. آن‌ها که از میان شما دارای برتری (مالی) و وسعت زندگی هستند نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند. آن‌ها باید عفو کنند و چشم ببوشند. آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است!

۲. و هیچ‌یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟!

۳. برای دیدن نمونه‌های بیشتر نک: توبه: ۹/۱۳؛ صافات: ۳۷/۲۵، ۱۷۶؛ عنکبوت: ۲۹/۶۸؛ قمر: ۵۴/۱۵، ۲۲.

۵۱: احقاف: ۴۶/۳۴؛ طور: ۵۲/۱۵؛ ملک: ۶۷/۸؛ قلم: ۶۸/۲۸؛ تکویر: ۸۱/۹.

غُرُورًا ﴿فاطر: ۳۵ / ۴۰﴾^۱. در سوره طه نیز هنگامی که به جریان گوساله پرستی قوم در نبود حضرت، اشاره می‌کند: ﴿أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَ لَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا﴾ (طه: ۲۰ / ۸۹)^۲ هنگامی که موسی (ع) از کوه طور بازگشت و مردم را در حال گوساله پرستی یافت، با وجود ناراحتی فراوان از جهل مردم، با بیان استدلالی منطقی و عقلانی در باب ناتوانی گوساله، کوشید تا آن‌ها را متوجه اشتباه خود نماید.^۳

۴-۳- پرسش‌های قرآنی ناظر بر مرحله بازبینی و اصلاح در رابطه معلم و شاگرد

در پایان، مربی باید برای اینکه نسبت به صحت کار خود اطمینان حاصل کند، آن را مورد بازبینی قرار داده و در صورت نیاز برخی موارد را تذکر داده و یا اصلاح نماید. بر این اساس، برخی پرسش‌های قرآنی را می‌توان ناظر بر این مرحله و مؤلفه‌هایش دانست:

الف) پرسش‌های ناظر بر تذکر نسبت به موقعیت ارتباطی فرد

در حیطه عمل، یکی از مؤلفه‌هایی که باید نسبت بدان توجه داشت، حوزه مسئولیت‌ها و اختیارات است. گاه افراد در زندگی اجتماعی، با فراموش کردن جایگاه، حوزه نفوذ و توان خود در جامعه، انتظاراتی غیرواقعی از خودشان دارند و به دلیل برآورده نشدن آن‌ها دچار ابهام یا سرخوردگی می‌شوند. دسته‌ای از پرسش‌های قرآن را می‌توان ناظر بر اصلاح همین نگاه فرد درباره موقعیت ارتباطی - اجتماعی دانست. در همین راستا خداوند در سوره زمر به پیامبر (ص) که دلسوزی و عطش فراوانی برای هدایت و نجات انسان‌ها داشت یادآوری می‌کند که در دایره هدایت و تربیت، نقطه کانونی و مرکزی، خداوند است و آنگاه که از سوی خداوند وعده عذاب و عدم نجات، قطعی شده باشد دیگر از دست پیامبر (ص) نیز برای رهایی وی کاری ساخته نیست: ﴿أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ﴾ (زمر: ۳۹ / ۱۹)^۴. در سوره زخرف

۱. بگو: «این معبودانی را که جز خدا می‌خوانید به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده‌اند، یا اینکه شرک‌تی در (آفرینش و مالکیت) آسمان‌ها دارند؟! یا به آنان کتابی (آسمانی) داده‌ایم و دلیلی از آن برای (شرک) خود دارند؟!» نه هیچ‌یک از این‌ها نیست، ظالمان فقط وعده‌های دروغین به یکدیگر می‌دهند.

۲. آیا نمی‌بینند که (این گوساله) هیچ پاسخی به آنان نمی‌دهد و مالک هیچ‌گونه سود و زبانی برای آن‌ها نیست؟

۳. برای دیدن نمونه‌های بیشتر نک: فاطر: ۳۵ / ۳؛ زخرف: ۴۳ / ۱۸؛ روم: ۳۰ / ۴۰؛ نبأ: ۷۸ / ۶؛ زمر: ۳۹ / ۳۸.

۴. آیا تو می‌توانی کسی را که فرمان عذاب درباره او قطعی شده رهایی بخشی؟! آیا تو می‌توانی کسی را که در درون آتش است برگیری و نجات دهی؟

نیز به تحدید حوزه قدرت مربی پرداخته و به پیامبر (ص) که مربی بزرگ بشریت محسوب می‌شود، نهیب می‌زند که دایره فعالیت تو نیز حدودی دارد و از آن حد فراتر قادر به تغییر نیستی. این موضوع را خداوند در قالب تمثیل عدم توان دیدن و شنیدن انسان کور و کر به زیبایی به تصویر می‌کشد و بدین ترتیب مقصود خود را ملموس می‌نماید: ﴿أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (زخرف: ۴۳/ ۴۰).^۱

ب) پرسش‌های ناظر بر نمایان‌سازی تناقضات موجود در رسوم اجتماعی

در مرحله سوم رابطه معلم و شاگرد، شاگرد در آستانه عمل قرار می‌گیرد و در این عمل با رسوم و سنت‌های اجتماعی مواجه است. برخی از پرسش‌های قرآنی، تلاش می‌کند تا بستر عمل اجتماعی افراد را بهبود بخشد و با نمایان ساختن تناقضات آنها، افراد را از بند اسارت آنها رها سازد. از جمله در سوره زخرف به یکی از مسائلی که در جاهلیت مرسوم بود، یعنی زنده‌به‌گور کردن دختران به دلیل ناپسند دانستن آنها اشاره می‌کند. از سوی دیگر با وجود عدم مقبولیت دختران در آن زمان، این باور وجود داشت که ملائک، دختران خداوند هستند. حال در این آیه تناقض موجود در باورهای کفار را با بیان یک سؤال نمایان می‌سازد و می‌فرماید چگونه است که با وجود عدم رضایت نسبت به دختران، آنها را به خدا نسبت داده و ملائک را دختران خدا می‌شمارید: ﴿أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ﴾ (زخرف: ۴۳/ ۱۶).^۲

در سوره نجم نیز بار دیگر به این باور نادرست اشاره کرده و می‌فرماید: ﴿أَلَكُمْ الذِّكْرُ وَ لَهُ الْأُنثَى﴾ (نجم: ۵۳/ ۲۱).^۳ این آیه نیز با محتوایی نظیر آیه قبل، با بیان یکی از باورهای نادرست کفار، تناقضات موجود در چارچوب نظری اجتماعی را به نمایش می‌گذارد.^۴

ج) پرسش‌های خطایاب عملی و بهبوددهنده عملکرد

همان‌گونه که بیان شد در مرحله سوم، شاگرد در آستانه ورود به مرحله عمل است و سعی و خطای وی در عرصه عملی آغاز می‌شود. از این رو، بخشی از تلاش مربی می‌تواند معطوف به

۲. (ای پیامبر!) آیا تو می‌توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، یا کوران و کسانی را که در گمراهی آشکاری هستند هدایت کنی؟

۳. آیا از میان مخلوقاتش دختران را برای خود انتخاب کرده و پسران را برای شما برگزیده است؟

۳. آیا سهم شما پسر است و سهم او دختر؟! (درحالی‌که به‌زعم شما دختران کم‌ارزش‌ترند!)

۴. برای دیدن نمونه‌های بیشتر نک: طور: ۵۲/ ۳۵، ۴۳؛ صافات: ۳۷/ ۹۵، ۱۲۵، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۶؛ زخرف:

۴۳/ ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۱؛ نجم: ۵۳/ ۲۱؛ ملک: ۶۷/ ۲۸، ۳۰.

خطایابی‌های عملی مخاطب باشد. یکی از کارکردهای پرسش‌های قرآنی نیز خطایابی و کمک به متری در جهت تغییر عملکرد است. خداوند در سوره صف، مؤمنان را به دلیل عدم وفاداری به وعده مقاومتی که پیش از جنگ داده بودند، مورد توبیخ قرار می‌دهد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾^۱ (صف: ۶۱/۲).

عدم تطابق گفتار و کردار، آفت بزرگی است که هر انسانی ممکن است به آن دچار شود. کراهت و زشتی این خطا نزد خداوند به حدی است که علاوه بر توبیخ مؤمنان، در آیه بعد به خشم شدید خداوند نسبت به آنان نیز اشاره می‌کند. در سوره اعراف نیز ضمن اشاره به آغاز آفرینش و حضور حضرت آدم و حوا (ع) در بهشت و اتفاقات بعدازآن، تخطی آن دو از امر پروردگار را بیان نموده و آنان را با پرسشی عتاب‌آمیز متوجه اشتباهی که مرتکب شده بودند، می‌نماید: ﴿فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتُ لَهُمَا سَوَاءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُل لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾^۲ (اعراف: ۲۲/۷)^۳.

د) پرسش‌های گشایش‌بخش عرصه‌های تفکر

تفکر و دعوت به آن یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم در ساحت وجودی انسان است که در آموزه‌های قرآنی و نیز آراء گوناگون تربیتی بدان توجه ویژه‌ای شده است. امروزه آموزش تفکر و ارائه راهکارهایی برای تقویت آن از مهم‌ترین مباحثی است که در حوزه تعلیم و تربیت مطرح می‌شود. برای نمونه متیو لپمن با شناسایی آسیب‌ناخوانی افراد در اندیشیدن، بر آن شد تا بکوشد از کودکی انس با اندیشیدن برقرار نماید و بر این اساس ایده «فلسفه برای کودکان» را مطرح نمود (قائدی، ۱۳۸۳، ص ۲۰).

«در قلمرو آموزش و پرورش، توجه به تفکر از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا منظور نهایی تعلیم و تربیت این است که شخص را بر تفکر روشن و منطقی و فکر سازنده توانایی دهد

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟

۲. و به این ترتیب، آن‌ها را با فریب (از مقامشان) فرود آورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان [عورتشان] بر آن‌ها آشکار شد و شروع کردند به فرار دادن برگ‌های (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را ببوشانند. و پروردگارش آن‌ها را ندا داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟»

۳. برای دیدن نمونه‌های بیشتر نک: صافات: ۳۷/۸۷؛ عنکبوت: ۲۹/۲۹؛ تحریم: ۶۶/۱؛ حدید: ۵۷/۸؛ حجرات: ۴۹/۱۶؛ قلم: ۶۸/۳۶؛ نجم: ۵۳/۱۲؛ مجادله: ۵۸/۱۳؛ معارج: ۷۰/۳۶؛ مدثر: ۷۴/۱۹، ۴۹.

تا بتواند به حل مشکلات و معضلات زندگی و سازمان دادن تجارب گذشته و نتیجه گرفتن از آن‌ها برای آینده موفق شود. تفکر، شکل بسیار پیچیده رفتار انسان و عالی‌ترین شکل فعالیت عقلی و ذهنی است. تفکر، جریانی است که در آن فرد کوشش می‌کند مشکلی را که با آن روبرو شده، مشخص سازد و با استفاده از تجربیات قبلی خویش به حل آن اقدام نماید» (رهنما و بیجوند، ۱۳۹۰، ص ۱۶۹).

بدین جهت یکی از عرصه‌هایی که قرآن به آن توجه خاصی دارد، پرورش نیروی تفکر است. در این راستا قرآن از شیوه‌های متعددی از جمله طرح پرسش بهره می‌جوید. پرسش‌های قرآنی که به مسأله تفکر می‌پردازند ضمن طرح موضوعات و زمینه‌هایی برای اندیشه‌ورزی و جهت‌دهی به فکر، او را به سمت تقویت این نیرو رهنمون می‌سازند. پرسش‌های قرآنی با تکیه بر پدیده‌های پیرامونی که ممکن است انسان به‌سادگی از کنارشان عبور کند، گویی فرمان ایست به او داده و او را به لختی درنگ و تأمل دعوت می‌نماید.

یکی از آیاتی که کارکرد آن معرفی عرصه‌های تفکر است، آیه ۱۹ سوره مُلک می‌باشد. در این آیه خداوند با اشاره به پرندگان و نحوه پروازشان، مسیری را برای اندیشیدن به روی انسان باز کرده و از همین پدیده ظاهراً ساده، انسان را به‌سوی توحید سوق می‌دهد: ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَاقَاتٍ وَ يَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ﴾! در سوره غاشیه نیز یکی دیگر از مسائل قابل تأمل در قالب پرسش مطرح می‌گردد و آن مسئله آفرینش شتر است: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآلِئِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ (غاشیه: ۱۷/۸۸). این آیه نیز با اشاره به یکی از مخلوقات خداوند که البته متناسب با شرایط آن زمان، یکی از نعمت‌های حیاتی محسوب می‌شد، افراد را به دقت در چگونگی آفرینش شتر و رازهای نهفته در آن فرامی‌خواند تا از این طریق به نظم موجود در هستی و قدرت خالق، پی ببرند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بیشترین انواع پرسش‌های قرآنی معطوف به بدنه اصلی رابطه معرفتی-ارزشی معلم و شاگرد است. همچنین دو مرحله تمهیدی و پایانی نیز می‌تواند با پرسش‌های ویژه‌ای محقق شود. در زیر می‌توان خلاصه نتایج را به‌صورت جدولی ملاحظه کرد:

۱. آیا به پرندگانی که بالای سرشان است و گاه بال‌های خود را گسترده و گاه جمع می‌کنند، نگاه نکردند؟! جز خداوند رحمان کسی آن‌ها را بر فراز آسمان نگه نمی‌دارد، چراکه او به هر چیز بیناست.

جدول ۱- پرسش‌های قرآنی و کارکرد آن‌ها در رابطه تربیتی

پرسش‌های ناظر بر تمهید رابطه تربیتی	پرسش‌های ناظر بر بدنه اصلی رابطه تربیتی	پرسش‌های ناظر بر مرحله نقادی رابطه تربیتی
پرسش‌های ناظر بر ایجاد تمرکز (حکایی و عام)	پرسش‌های ناظر بر بازبینی بینش‌ها	پرسش‌های ناظر بر تذکر نسبت به موقعیت ارتباطی فرد
پرسش‌های تنش‌زای شناختی	پرسش‌های بینش‌زا	پرسش‌های ناظر بر نمایان‌سازی تناقضات موجود در رسوم اجتماعی
	پرسش‌های ناظر بر بدیهیات فطری و عقلی (پرسش‌های ناظر بر غفلت زدایی)	پرسش‌های خطایاب عملی و بهبوددهنده عملکرد
	پرسش‌های بسط‌دهنده منظر فرد نسبت به واقعیت‌ها	پرسش‌های گشایش‌بخش عرصه‌های تفکر
	پرسش‌های برانگیزاننده عاطفی	
	پرسش‌های ناظر بر طرح دلیل بر مدعا	

همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد، پرسش در مرحله میانی که بار محتوایی آن پررنگ‌تر است، خود را آشکارتر نموده و از اهمیت و تأکید قرآن بر این بخش پرده برمی‌دارد. بر این اساس می‌توان گفت یکی از مراحل که می‌توان از پرسش، بهره فراوان برد، مرحله میانی تربیت است؛ یعنی زمانی که مربی بیشترین بار محتوایی موردنظر خود را به اشتراک می‌گذارد. همچنین کارکردهای قابل‌توجهی نیز در مرحله بازبینی و اصلاح قرار گرفته‌اند. مربی همچون دیده‌بانی آگاه، ضمن رصد مداوم خود بر جریان تربیت، می‌کوشد تا با استفاده از ابزارهای مناسب، مرتبی را در مسیر رشد یاری بخشد. در این مرحله نیز پرسش با بر دوش داشتن کارکردهای متنوع و مهمی چون خطایابی و تبیین به یاری مربی شتافته و جریان تربیت را بهبود می‌بخشد. سایر کارکردها نیز در مرحله مقدماتی نمایان شده‌اند. این مرحله همان‌طور که از نامش پیداست، به دلیل آنکه نقش زمینه‌سازی برای ورود به بدنه اصلی را بر عهده دارد کمترین کارکردها را در

خود جای داده است؛ اما کمتر بودن کارکردها در آن نشان‌دهنده کم‌اهمیت بودن آن نیست؛ بلکه به اقتضای ماهیت مرحله، یعنی مقدماتی بودن آن است. لذا استفاده از پرسش با هدف تأمین آماده‌سازی و ایجاد تنش شناختی در مخاطب، زمینه را برای ارائه بدنه اصلی فراهم می‌سازد. آموزش انواع پرسشهای مناسب به مربی و فنون پرسشگری به وی می‌تواند جریان تربیت را به جریانی پویا و نقاد مبدل سازد و نقش مربی را در فرآیند تربیت پررنگ‌تر سازد. این پررنگ‌تر شدن، خود به معنادار شدن محتوا برای وی خواهد انجامید. درعین حال، ویژگی‌های هر یک از این پرسش‌ها و نحوه رابطه معلم و شاگرد در هر یک از انواع پرسشگری، امری است که باید مورد تأمل دوباره قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر، قم: دارالقرآن کریم، ۱۳۷۳ ش.
- نهج البلاغه؛ ترجمه: دشتی، محمد، ج ۸، مشهد: به نشر، ۱۳۸۵ ش.
۱. ابراهیمی، نامدار و دیگران؛ «از پرسش‌های متخیلانه تا آفرینش‌های خلاقانه»؛ پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ش ۸، ۱۳۹۳ ش.
 ۲. ایبضی شلمانی، حسین؛ «پرسش و پرسش‌گری در قرآن کریم»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰ ش.
 ۳. اشعری، زهرا؛ حسنی، محمد؛ «تبیین و نقد عاملیت اخلاقی در نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی»؛ دوفصلنامه پژوهشی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره ۲، ش ۳، ۱۳۹۴ ش.
 ۴. باقری، خسرو؛ الگوی مطلوب یادگیری و آموزش در جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۹ ش.
 ۵. —؛ درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷ ش.
 ۶. —؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی؛ ج ۱، چ ۲۰، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۸ ش.
 ۷. —؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی؛ ج ۲، چ ۶، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۴ ش.
 ۸. جعفری، محمدتقی؛ تاریخ از دیدگاه امام علی (ع)؛ تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۸ ش.
 ۹. جویس، بروس؛ کالهن، امیلی؛ هاپکینز، دیوید؛ الگوهای یادگیری؛ ابزارهایی برای تدریس؛ ترجمه: مهرمحمدی، محمود؛ عابدی، لطفعلی، ج ۲، تهران: سمت، ۱۳۸۵ ش.
 ۱۰. داوودی، محمد؛ سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع)؛ ج ۶، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ ش.
 ۱۱. رهنما، اکبر؛ بیجوند، فرامرز؛ «پرورش تفکر انتقادی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی برنامه‌ریزی درسی در تربیت جوانان» (مجموعه مقالات همایش بزرگداشت حکیم صدرالمآلهین)؛ تهران: بنیاد حکمت صدرا، ۱۳۸۹ ش.
 ۱۲. سیف، علی‌اکبر؛ روانشناسی تربیتی: روانشناسی یادگیری و آموزش؛ ویرایش هفتم، تهران: دوران، ۱۳۹۰ ش.
 ۱۳. شرفی، محمدرضا؛ مبانی و روش‌های تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی؛ تهران: پنجره، ۱۳۸۶ ش.
 ۱۴. صفایی حائری، علی؛ انسان در دو فصل؛ ج ۶، قم: لی‌ل‌القدر، ۱۳۹۰ ش.
 ۱۵. طباطبایی، محمدحسین؛ ترجمه تفسیر المیزان؛ ترجمه: موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
 ۱۶. فیاض، ایراندخت؛ «پرسشگری راهبرد هویت پایدار دینی در قرآن کریم»؛ تعلیم و تربیت، ش ۹۸، ۱۳۸۸ ش.
 ۱۷. فیشر، رابرت؛ آموزش و تفکر؛ ترجمه: فروغ کیان‌زاده، ج ۲، اهواز: رسش، ۱۳۸۸ ش.
 ۱۸. قائدی، یحیی؛ آموزش فلسفه به کودکان (بررسی مبانی نظری)؛ تهران: دواوین، ۱۳۸۳ ش.
 ۱۹. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌های قرآن کریم، ۱۳۸۳ ش.
 ۲۰. گوتک، جرال. ال؛ مکاتب فلسفی و آراء تربیتی؛ ترجمه: پاک‌سرشت، محمدجعفر، ج ۹، تهران: سمت، ۱۳۸۸ ش.
 ۲۱. محمدی اشتهازدی، محمد؛ سیره چهارده معصوم (ع)؛ ج ۶، تهران: مطهر، ۱۳۸۹ ش.

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۳. مهر محمدی، محمود؛ «بررسی ابعاد نظری و عملی تعلیم و تربیت سؤال محور»؛ مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ش ۵۴، ۱۳۷۴ ش.
۲۴. واعظی، احمد؛ درآمدی بر هرمنوتیک؛ ج ۳، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
25. Butler, J. D; *Four Philosophies and Their Practice in Education and Religion*; New York: Harper & Row, 1968.
26. Dewey, J; *How We Think: A Restatement of the Relation of Reflective Thinking to the Educative Process*; Chicago: Hery Begnery, 1993.
27. Hirst, P. H.; Peters, R. S; *The logic of education*; London: Routledge & Kegan Paul, 1970.